

تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۸/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۹/۲۰

آزادی و جایگاه آن در اندیشه حقوق بشری امام خمینی(ره)

احمد فدوی بنده قرائی^{*۱}

ابراهیم تقی زاده^۲

۱. عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور مشهد، خراسان رضوی، ایران.

۲. عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور مشهد، خراسان رضوی، ایران.

چکیده

نهضت انقلاب اسلامی ایران با رهبری حکیمانه حضرت امام (ره) فرصت بسیار مناسبی را فراهم آورد تا برای اولین بار یک فقیه جامع‌الشرایط و برجسته که خود اقدام به تأسیس یک نظام سیاسی کرد، آراء و اندیشه‌ها و دیدگاههای خود را درباره مسائل مختلف حقوق بشری از جمله مقوله بسیار مهم آزادی با بهره‌گیری از منابع فقه و در باره جامعه سیاسی اسلامی ارایه کند. ما در این مقاله ضمن بررسی مفهوم آزادی از دیدگاه حضرت امام (ره)، جایگاه و منزلت آزادی، موانع آزادی و در پایان مصادیق آزادی را با بهره‌گیری از دیدگاهها و اندیشه‌های حقوق بشری ایشان مورد بحث قرار می‌دهیم.

(ahmadfadi744@gmail.com)

۱- نویسنده مسئول:

کلید واژه: امام خمینی(ره)، مفهوم آزادی، موانع آزادی، انواع آزادی،
مصادیق آزادی



۳۴
فصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۹۱

مقدمه

آزادی یکی از طبیعی‌ترین مواهب باری تعالی در جهت تکامل حقوق انسان است که خداوند هدف از اعطای آن را کمک به رشد و کمال انسان و ابناء قرار داده است. شاید بتوان گفت تمام تاریخ بشر، دوران مبارزه‌اش برای آزادی است و شاید بشر در راه هیچ آرمان دیگری، این‌گونه فداکاری ننموده که در این راه تلاش کرده است؛ زیرا که آزادی همواره گرانبهارترین گوهری بوده که انسان مسحور آن و اغلب مهجور از آن مانده است. در این بین حضرت امام خمینی (ره)، یکی از پرفروغ‌ترین چهره‌های مبارزات آزادی‌خواهانه است که در قرون اخیر پرچم آزادی حقیقی را که در پرتو اندیشه ناب تفکر دینی است برداشته و به تبیین مفهوم واقعی آن پرداخته است. آزادی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) گوهری است والا که از توحید برخاسته و بدون آن انسان از مرتبه والای خود به مرتبه حیوانی تنزل می‌کند. در اندیشه سیاسی امام (ره) آزادی حقیقی است الهی و ذاتی انسان. حقی برای انتخاب خود و سرنوشت خود چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی و حقی در انتخاب اندیشه، اعتقادات و راه و رسم زندگی. در دیدگاه امام (ره) مفهوم آزادی دارای اهمیت و جایگاه خاصی است به گونه‌ای که ایشان در گفتارها و نوشتارهای خود بالغ بر ۳۰۰ مرتبه به این واژه به طور مستقیم اشاره کرده‌اند (موحد، ۱۳۸۱: ۶۸).

۱. امام و آزادی

۱-۱. تبیین مفهوم آزادی از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره)

آزادی در لغت به معنای نبود مانع و قید و بند بوده و راجع به مفهوم آزادی تعاریف متعددی از سوی اندیشمندان مطرح شده است که مهم‌ترین آنها را این‌گونه می‌توان جمع‌بندی کرد:

الف) آزادی از یک‌سو بیانگر اعمال حق حاکمیت مردمی بوده و از سوی دیگر، زمینه‌ساز مشارکت سیاسی مردم در جامعه و تأثیرگذاری آنان در حیات سیاسی جامعه است، (هاشمی، ۱۳۷۴: ص ۱۶۹ و جعفری‌لنگرودی، ۱۳۷۴، ص ۳۱).

ب) منظور از آزادی، به طور ساده عبارت از آزادی انجام دادن انواع کارهای مختلفی است

که حکومت مردمی اقتضاء می‌کند. این کارها اصولاً شامل آزادی استفاده از ابزارهایی است که از طریق آنها، شهروند بتواند صدای خود را به گوش دیگران برساند و در حکومت تأثیر عملی داشته باشد (کوهن، ۱۳۷۳: ۱۸۴).

ج) آزادی سیاسی، یعنی اینکه فرد بتواند در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور خود و از راه انتخاب زمامداران و مقامات سیاسی شرکت جوید و به تصدی مشاغل عمومی و سیاسی و اجتماعی کشور نایل آمده و یا در مجامع، آزادانه، عقاید و افکار خود را به نحو مقتضی ابراز نماید، (طباطبائی موتمنی، ۱۳۷۰: ص ۹۶).

د) آزادیهای عمومی، آزادیهایی است که به عنوان وسیله‌ای برای مقاومت مردم در برابر تجاوزهای دولت تلقی می‌شود. با تضمین این آزادیها، دولت نمی‌تواند به حقوق افراد تجاوز کند و در صورت تجاوز، مردم با استفاده از این حقوق به مقاومت بر می‌خیزند (رحیمی، ۱۳۵۷: ۱۹۰).

اگرچه تعاریف فوق از لحاظ ظاهری با دیگری تفاوتی دارد؛ لکن با دقت در این تعاریف می‌توان به عناصر مشترک آزادی دسترسی پیدا کرد که عبارتند از: اعمال حق حاکمیت و زمینه‌سازی مشارکت فعال سیاسی در جامعه.

حال با توجه با تعاریف فوق‌الاشاره، در فلسفه حکومتی و اندیشه سیاسی حضرت امام (ره)، آزادی به دو معنا و مفهوم بکار رفته است:

الف) آزادی فلسفی یا توصیفی، و به بیان دیگر، اختیار (Free - will).

ب) آزادی حقوقی (Freedom) یا تجویزی.

در مسئله آزادی فلسفی «جبر و اختیار» که از مهم‌ترین موضوعات عقیدتی اسلام است، امام نظریه «جبر» را که از طرف اشاعره ابراز شده رد می‌کند و آن را ستم به خداوند متعال و پایمال‌کننده حق آفریدگان معرفی می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۶۲: ص ۷۷). حضرت امام (ره) انسان را مختار و آزاد می‌داند؛ البته نه مستقل از قدرت، اراده و خواست خدای متعال. در نتیجه این تفکر، انسان مقهور اراده الهی نیست. در اندیشه امام این اعتقاد به وضوح قابل درک است که انسان موجودی است دارای اراده، اختیار و آزادی در تصمیم‌گیری و کنش؛ نه اراده الهی نه وراثت، نه طبیعت و نه محیط رشد و نمو و زیست، اراده انسان را مقهور خویش نساخته‌اند و انسان را «مجبور» نکرده‌اند (گرجی، ۱۳۸۴: ۲۲).

در حالی که آزادی فلسفی به بحث از وجود اراده برای انسان مربوط می‌شود، و بحث درباره «بود و نبود» است، آزادی حقوقی به تجویز آزاد بودن انسان در تصمیم‌گیری و کنش مربوط می‌شود و بحثی درباره «بایدها و نبایدها» است. در اینجا امام آزادی را به نبود الزام و اکراه از سوی سایرین تعریف می‌کند و آن را به مثابه شرایطی که در آن شخمجبور نیست، مقید نیست، در امورش مداخله نمی‌شود، و تحت فشار قرار نمی‌گیرد تعریف می‌کند. (مخبر، ۱۳۶۷: ص ۸۳). امام در اینجا همچون برخی معتقد است هر چه حوزه عدم مداخله وسیع‌تر باشد، آزادی من بیشتر است و آزادی و مفهوم آن را به حوزه‌ای از عدم مداخله تعریف می‌کند. امام در پاسخ به سئوالی که از ایشان خواستار ارائه یک تعریف ساده از آزادی می‌شود می‌فرماید:

«آزادی یک مسئله‌ای نیست که تعریف پیچیده‌ای داشته باشد. مردم عقیده‌شان آزاد است، کسی الزامشان نمی‌کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید، کسی الزام به شما نمی‌کند که حتماً باید این راه را بروید، کسی الزام به شما نمی‌کند که باید این را انتخاب کنی، کسی الزامتان نمی‌کند که در کجا مسکن داشته باشی یا در آنجا چه شغلی را انتخاب کنی. آزادی یک چیز واضحی است.» (صحیفه امام، ج ۹، ص ۸۸). با این بیان، امام آزادی را حقی اولیه برای عموم بشریت قلمداد می‌کند و آنان را برای گرفتن این حق اولیه ترغیب می‌نماید (حیدری، ۱۳۷۸: ص ۳۸).

بنابراین با توجه به نکات فوق، در آزادی به شیوه اسلامی و دینی امام، هر فرد در فضای آزاد می‌تواند اندیشه‌های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان داشته و مورد نقد و بررسی قرار دهد. امام (ره) قائل هستند به اینکه همواره در فضای آزاد، بسیاری از مسائل، شفاف می‌گردد؛ زیرا که در فضای آزاد هر فرد حق دارد و می‌تواند موضوعات و دغدغه‌های مختلف خود را بیان داشته و در عرصه تصمیم‌گیری خصوصاً فعالیت‌های سیاسی بدون فشار حاکمیت تصمیم‌گیری نماید، (منتظران، ۱۳۷۵: ص ۱۰۰)، و چنانچه دولت بخواهد غیر قانونی و با فشار به حقوق افراد، تجاوزی کند، مردم با استفاده از این حقوق (آزادی‌های مشروع) به مقاومت برمی‌خیزند، (رحیمی، ۱۳۵۷: ص ۱۹۰).

۱-۲. جایگاه و منزلت آزادی از دیدگاه امام خمینی(ره)

از دیدگاه امام (ره) آزادی دارای جایگاه والایی بوده و به عنوان حقی اولیه، طبیعی و خدادادی مطرح است. از نظر ایشان این حکومت ها نیستند که به مردم آزادی اعطاء می کنند؛ بلکه آفریدگار انسان، او را آزاد آفریده و به او آزادی اعطاء فرموده است. امام (ره) در رد سخن شاه سابق ایران که مدعی بود به مردم ایران آزادی اعطاء کرده است برمی آشوبد و اعطای آزادی از سوی حکومت را به مسخره می گیرد و می فرماید: «مگر آزادی اعطاء شدنی است؟! خود این کلمه جرم است، کلمه اینکه اعطاء کردیم آزادی را، این جرم است. آزادی مال مردم است، قانون آزادی داده، خدا آزادی داده به مردم، اسلام آزادی داده، قانون اساسی آزادی داده به مردم... آزادی اعطایی که آزادی حقیقی نیست.» (صحیفه امام، ۱۳۷۰: ج ۲، ص ۶۷). حضرت امام (ره) آزادی را عطیه‌ای الهی دانسته و برای خود خالق حق دخالت در آزادی بشر را محفوظ می داند (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ص ۱۰۰). از دید امام(ره) آزادی نه قابل چشم پوشی و نادیده انگاشتن است و نه شایسته است مردم از آن صرف نظر کنند. نه چیزی است که حکومت به مردم داده باشد و نه چیزی است که حکومت مجاز باشد آن را پایمال کند. آزادی حقی است خدادادی که مردم باید آن را طلب و حکومتها باید آن را رعایت کنند. بدین دلیل حکومت اسلامی نمی تواند یک حکومت استبدادی باشد. در اسلام دیکتاتوری اصلاً در کار نیست، هیچ، ابداً، هیچ وقت نبوده و هیچ وقت نیست، هیچ وقت نخواهد بود. (صحیفه امام، ۱۳۷۰: ج ۹، ص ۱۲۸).

امام معتقد است اسلام حکومتی را بنیان نهاد که نه به شیوه استبدادی است که در آن نظر و تمایلات نفسانی یک نفر بر تمام جامعه حاکم باشد، و نه به شیوه مشروطه (لیبرال) یا

جمهوری خالکه مبتنی بر قوانین بشری است که آن قوانین را گروهی از مردم بر تمام جامعه حاکم می‌کنند؛ بلکه حکومت اسلامی، نظامی است که از وحی الهی الهام می‌گیرد و در تمام زمینه‌ها از قانون الهی کمک می‌گیرد و هیچ‌یک از زمامداران امور جامعه حق استبداد به رأی ندارند (موسوی خمینی، ۱۳۹۷: ۴۶۱). به این ترتیب امام با رد حکومت استبدادی خودکامه، موافقت خود را با حکومت مشروطه دینی و جمهوری اسلامی اعلام می‌دارد. حکومتی که در آن ضمن اجرای حقوق و احکام الهی، آزادی اراده شهروندان نیز به طور کامل مورد توجه قرار می‌گیرد.

از دیگر نکات جالبی که حضرت امام(ره) در حیطه ارزش آزادی بیان کرده‌اند پیوند دادن این مفهوم با برخی مفاهیم دیگر همچون امنیت و سعادت است. ایشان معتقدند به اینکه آزادی در چارچوب امنیت است که محقق می‌شود و منجر به سعادت جامعه می‌گردد. ایشان آزادی و امنیت را این‌گونه به هم پیوند می‌دهد: «آزادی آن است که فرد با احساس امنیت از آزادی‌اش بهره‌برداری کند و گرنه آزادی همراه با اضطراب و ترس ارزش ندارد. آزادی در حدود ضوابط است ... در حدود قواعد و قوانین آزادی هست، یعنی شما دیگر از کسی ... نمی‌ترسید ... به این معنی الحمدلله ما الان آزادیم.

ایشان در ادامه، سعادت را که هدف و آرمان حکومت اسلامی است به آزادی پیوند می‌دهد و آن را الزامی معرفی می‌کند: «با جمهوری اسلامی سعادت، خیر و صلاح برای همه ملت است. اگر احکام اسلام پیاده بشود... تمام اقشار ملت به حقوق حقه خودشان می‌رسند، ظلم و جور و ستم ریشه‌کن می‌شود. در جمهوری اسلامی زورگویی نیست، در جمهوری اسلامی ستم نیست. در جمهوری اسلامی آزادی است، استقلال است، همه اقشار ملت در جمهوری اسلامی باید در رفاه باشند (صحیفه امام، ۱۳۷۰: ج ۱۲، ص ۳۹۷).

بدین ترتیب، در اندیشه سیاسی امام، آزادی همراه با امنیت نه تنها یک اصل ارزشمند و قابل احترام است که باید پاس داشته شود؛ بلکه یکی از اهداف اصلی تأسیس حکومت و یکی از اصول جمهوری اسلامی است که الگوی مطلوب حکومت در نزد ایشان به شمار می‌رود.

۳-۱. موانع آزادی از دیدگاه حضرت امام خمینی(ره)

براساس تحلیلهای مفهومی که در حیطه آزادی بیان شده، فرد در صورتی آزاد تلقی

می‌شود که موانعی در برابر او نباشد. از دیدگاه امام (ره) برخی موانع موجب سلب آزادی واقعی از انسانها گردیده است که این موانع عبارتند از:

الف) سلطه غیر

از دید امام (ره)، سلطه دیگری بر انسان، یکی از موانع آزادی به شمار می‌رود. امام بارها به مسلمانان هشدار داده‌اند که سلطه‌پذیر نباشند و زیر بار سلطه اجانب و ابرقدرتها نروند. ایشان در جایی می‌فرمایند: «ما برای حیات زیر سلطه غیر، ارزش قائل نیستیم، ما ارزش حیات را به آزادی و استقلال می‌دانیم. دستورات مذهبی که مترقی‌ترین دستورات است، راه ما را معین فرموده است. ما با آن دستورات و تحت رهبری بزرگ مرد دنیا، محمد(ص) با تمام قدرت‌هایی که بخواهند به مملکت ما تجاوز کنند، مبارزه خواهیم کرد.» (همان، ج ۶: ص ۲۱۹).

نکته قابل توجه اینکه از منظر اسلام، سلطه و چیرگی دشمنان بر جامعه اسلامی و مسلمانان امری ناروا است، به طوری که اگر مبادلات و مراودات به گونه‌ای باشد که باعث توسعه نفوذ بیگانگان در جامعه اسلامی شود و به نحوی آنها بتوانند در امور مسلمانان دخالت کنند، چنین مبادلات و مراوداتی ممنوع شده است.

به همین جهت حضرت امام خمینی (ره) با استناد به آیه قرآن که می‌فرماید: «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً» معتقدند که هرگز خدای تبارک و تعالی، سلطه‌ای برای غیر مسلم بر مسلم قرار نداده است. «هرگز نباید یک همچنین چیزی واقع بشود؛ یک تسلطی، یک راهی، حتی یک راه نباید پیدا بکند.»

ب) هرج و مرج

یکی دیگر از موانع آزادی، هرج و مرج و بی‌نظمی است. امام (ره) در این باره می‌فرماید: «اگر شما بخواهید مملکتتان استقلال داشته باشد، آزادی در آن باشد، یک مملکت اسلامی باشد، اول چیزی که بر همه ما لازم است، این است که از هرج و مرج جلوگیری کنیم. نباید هرکس صبح از خواب بلند شد، هرکاری دلش بخواهد بکند، (همان، ج ۱۰، ص ۴۸۰).

ج) تعلقات درونی

تعلقات درونی، یکی دیگر از موانع درونی آزادی محسوب می‌شود. عامل مهمی که اراده و اختیار انسان را تحت سرسپردگی خود در آورده و آزادی او را محدود می‌کند، تعلقات درونی و وابستگی‌های روحی انسان است. انسان باید حتی از نفس خود نیز آزاد باشد تا بتواند بدون هیچ‌گونه مانعی روح اراده و استعدادهای خود را در همه زمانها و مکانها به پرواز درآورد و در راه رشد، تعالی و تکامل به جایی برسد که جز ذات احدیت کسی را نبیند. در واقع، آزادی از تعلقات درونی موجب تکامل و تعالی و سعادت انسان می‌شود. در اندیشه امام خمینی (ره)، آزادی حقیقی و آزادی درونی، رهایی از قید نفس و سیر به سوی کمال است و آزادی بیرونی تا جایی می‌تواند برای ایشان، اولویت داشته باشد که زمینه‌ساز این آزادی درونی گردد (قاضی‌زاده، ۱۳۸۵: ۴۹). حضرت امام در بیانات خود در این باره می‌فرمایند: «شما باید خودتان را بسازید، بعد ملت را بسازید... تهذیب نفس، وارسته کردن نفس از تعلقات دنیا که سر منشأ همه کمالات، وارسته شدن نفس از تعلقات است و بدبختی هر انسان تعلق به مادیات است.» (همان، ج ۸، ص ۲۶۷). امام آزادی و هر مقوله سیاسی دیگر را تا جایی به رسمیت می‌شناسد که در مسیر تحقق فلسفه نهایی اسلام، یعنی سعادت دنیوی و اخروی و به عبارت دقیق‌تر، همان آزادی درونی و سیر به سوی کمال باشد. ایشان می‌فرمایند: «ما آزادی که اسلام توی آن نباشد، نمی‌خواهیم... آزادی و استقلال بی‌اسلام به چه دردمان می‌خورد.» (همان، ج ۷، ص ۴۵۹).

د) عدم خودکفایی

امام خمینی (ره) بر این باور است که اگر خودکفایی نباشد، به آزادی حقیقی نخواهیم رسید. اگر شما بخواهید استقلال پیدا بکنید و آزادی حقیقی پیدا بکنید، باید کاری بکنید که در همه چیز خودکفا و بی‌نیاز باشید.» (همان، ج ۲۱، ص ۴۱۴).

ه) بی‌عدالتی

در جامعه‌ای که عدالت وجود ندارد، تبعیض حاکم است و تبعیض منشأ عمده فسادها، اختلافات و هرج و مرجها در جامعه است. جامعه مبتنی بر تبعیض، جامعه نامتعادل و

ناهمگون است. در چنین جامعه‌ای افراد نمی‌توانند به آزادیهای مشروع خود دست یابند. آزادی با تمام انواعش از عدالت سرچشمه می‌گیرد. عدالت است که فرد را آزاد ساخته و به افراد اجتماع در روابط و مناسباتی که با هم دارند، آزادی داده و نیز عدالت است که در سیاست، اقتصاد، اندیشه و دیگر کارها به انسان آزادی بخشیده است. در طول تاریخ، هرگاه انسانها از آزادی محروم شده‌اند، از بی‌عدالتی بوده است. به زندان رفتن آزادی‌خواهان و آواره شدن آنها از وطن و کشته شدن مردان خدا از امامان معصوم (ع) تا افراد عادی، همه از بی‌عدالتی حاکمان و زمامداران خودرأی بوده است، (شریعتمدار جزائری، ۱۳۸۰: ۷۸). عقیده امام (ره) در این مورد بر آن است که عدالت به گونه‌ای است که با تحقق آن، اهداف دیگر از جمله آزادی، استقلال و رفاه، نیز تحقق می‌یابد و بدین‌سان، آزادی در پرتو عدالت شکل می‌گیرد. ایشان در جایی می‌فرمایند: «عدل اسلامی را مستقر کنید. با عدل اسلامی، همه و همه، در آزادی، استقلال و رفاه خواهند بود، (همان، ج ۷، ص ۱۱۵).

۲: امام خمینی (ره) و آزادی غربی

۲-۱. دیدگاه امام خمینی (ره) راجع به پدیده آزادی در غرب

دیدگاه امام خمینی در باب آزادی غربی در واقع بازتابی از روایت ایشان از واقعیت و نه مفهوم آزادی در مغرب‌زمین و نیز واکنشی در قبال وارداتی بودن این پدیده در سایر کشورهای ضعیف و تحت ستم است. به عقیده ایشان، آزادی به معنای امروزی مفهومی جدید دارد که از دوران مشروطه به این سو وارد کشور ما شده و صبغه بومی و اسلامی ندارد. آنچه امام خمینی (ره) را وا می‌داشت تا به نقد آزادی بپردازد ورود برخی از نمادهای فسادانگیز آزادی به ایران و سایر کشورهایی بود که خود در ذیل مستبدترین دولت، توان نفس کشیدن نداشتند. نمادی از آزادی که نه با هویت ایرانی سازگاری داشت و نه با هنجارهای دینی مطابقت می‌کرد. از این‌رو امام با کشاندن این پدیده به حوزه بایدها و نبایدهای اخلاقی و دینی تلاش کرد تا در چارچوب شریعت به آزادی مفهومی جدید بخشد و از معایب وارداتی آن جلوگیری کند. نگاه منتقدانه امام خمینی به آزادی غربی مبتنی بر دو جزء است، اولاً: آزادی در غرب (مخالف سنن انسانی) و (مخالف با اخلاق) است و در حصار محدودکننده قواعد و قوانین قرار نمی‌گیرد (همان، ج ۷، ص ۱۸۱)، ثانیاً: اگر چیزی به نام آزادی هم وجود داشته باشد، صورتی

صرف است و عینیتی ندارد؛ چراکه نفی آزادی در هر دو شعبه مدرنیسم (مارکسیسم و لیبرالیسم) در قالب‌های دیکتاتوری حزب کمونیست و استبداد نژادپرستانه اکثریت وجود دارد. به گفته امام خمینی (ره) «همان‌هایی که ادعای کمونیستی و کذا می‌کنند خود آنها از همه قلدتر و از همه دیکتاتورترند و ملت‌هایشان را به بند کشیده‌اند. آزادی در آن ممالک نیست برای کسی. همان طوری که در ممالک غربی هم آزادی نیست. اگر آزادی باشد این سیاه‌های بیچاره، چه کرده‌اند که این طور تحت فشارند.» (همان، ج ۱۲، ص ۱۱۵). ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند: «غرب به ما چیزی نمی‌دهد که مفید باشد، چیز مفید دارد؛ اما به ما نمی‌دهد، صادر نمی‌کند، آنی که به ما صادر می‌کند آن چیزهایی است که مملکت‌های ما را به تباهی می‌کشند.» (همان، ج ۱۰، ص ۵۵).

۲-۲. شاخصه‌های آزادی غربی از دیدگاه امام (ره)

الف) بی دینی

ایشان در بیانات خود راجع به تبعات آزادی به سبک غربی می‌فرمایند: «اشخاصی که اسلام را کاری به آن ندارند، روحانیت را هم هیچ کاری به آن ندارند، می‌خواهند یک مملکت غربی درست کنند. آنهايي که حسن نیت دارند، نیت سوء ندارند و نمی‌خواهند دوباره رژیم برگردد، با او هم بد هستند. اینها می‌خواهند یک مملکت غربی برای شما درست کنند که آزاد هم باشید، مستقل هم باشید، اما نه خدائی در کار باشد و نه پیغمبری و نه امام زمانی و نه قرآنی و نه احکام خدا، نه نمازی و نه هیچ چیز.» (همان، ج ۶، ۲۵۹)

ب) بی بند و باری و اهانت

از دید حضرت امام انسان یک موجود نامحدود است. ایشان معتقدند که: «اگر این نامحدودی در طرف حیوانیت صرف گردد، یک حیوان نامحدود به جامعه تحویل داده می‌شود که با سایر حیوانات متفاوت است، حیوانات دیگر شهواتشان محدود است، آمال و آرزویشان محدود است؛ لکن حیوان انسان‌نما نامحدود است. اگر به همین حال حیوانیت باشد و دنبال همین کارهای حیوانی، این تا آخر حیوان است. اینجا صورتش، صورت انسان است وقتی

این پرده برگشت و آن عالم پیدا شد، صورتش هم یک صورت دیگر می‌شود. همچو نیست که به صورت انسانیت آن جا محسوس بشود. اگر انسان اینجا شد، آنجا انسان است، اگر کسی در اینجا توانست خودش را انسان بکند، آنجا که برود، آنجا انسانیتش به طور کمال و آن طوری که چشمهای این عالم نمی‌تواند او را ببیند، به طور کمال در آنجا تحقق پیدا می‌کند.

این آزادیی که غربیها می‌خواهند همین است. آزادند هرچه می‌خواهند، هرکاری می‌خواهند بکنند. ظلم بکنند آزاد است، شهوات غیر مشروع آزاد است، بدگویی به هرکس آزاد است، قلم‌فرسایی بر ضد هرکس آزاد است. اگر این آزادیی که همین غیر محدود بودن این قسم حیوان، این حدی ندارد برای خودش، آزدیش را حدی قائل نیست. هر جا جلو برود باز در این آزادی می‌خواهد جلوتر برود.» (همان، ۶۲-۶۳).

«اینهایی که فریاد از آزادی می‌زنند، اینها غر بزه‌اند، اینها آزادی غربی می‌خواهند. اینها که دم از دمکراسی می‌زنند، اینها همان دموکراتیک غربی می‌خواهند، آزادی غربی را می‌خواهند یعنی بی‌بند و باری. در غرب هرچه شده است ما هم باید تابع آنها باشیم، اینها جزو غرب زده‌ها هستند. روزنامه‌ها آزادند مطالب بنویسند؛ مسائل بنویسند، اما آزاد هستند که اهانت به مثلاً مقدسات مردم بکنند؟! آزادند که فحش به مردم بدهند؟! آزادند که تهمت به مردم بزنند؟» (مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۷۸: ۱۶).

ج) فحشاء و فریب

ایشان در این باره می‌فرمایند: «آن چیزی که انسان را متمدن می‌کند، در غرب از آن خبری نیست. اگر باشد، در شرق است. آنکه ضامن این است که یک کشوری درست بکند که متمدن باشد، آزادی خواه به معنای حقیقیش باشد، استقلال داشته باشد به معنای حقیقیش، آن مکتب انسانیت است، غیر از او هیچ نیست. آن آزادی که در غرب است یک قدری فحشاست که هر جوری دلشان می‌خواهد عمل کنند، در شهوات هیچ قید و بندی نباشد، آزادند هر طوری دلشان می‌خواهد در فحشا غوطه‌ور شوند. یک مقدارش هم کلاه سر ما گذاشتن است که ما آزادی می‌دهیم. (صحیفه امام، ۱۳۷۰ ج ۸، ۱۲۳).

در مجموع از دیدگاه امام(ره) آزادی غربی و هرج و مرج آزادی نیست، نوعی دیکتاتوری

و مفسده زاست. آزادی است که هدف آن بی تفاوت بار آوردن انسانها و خصوصا جوانان و مشغول کردن آنان به عشرت طلبی است.

۲-۳. تفاوت آزادی غربی با آزادی برخواسته از اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

بنابر آنچه ذکر شد می توان تفاوت آزادی غربی و آزادی اسلامی را از لابه لای اندیشه های صاحب نظران غربی و اسلامی این گونه استنباط کرد:

الف) آزادی در اندیشه غرب ریشه مادی دارد؛ اما در اندیشه سیاسی امام که برخواسته از اسلام ناب است سرمنشأ آزادی، الهی و وحیانی است؛ بنابراین قلمرو آزادی در اندیشه غربی منافع مادی و در اسلام ارزشهای معنوی است.

ب) آزادی در غرب، تنها در صورتی مجاز است که به منافع دیگران ضربه ای نرسد؛ ولی آزادی در منطق اسلام و حضرت امام بر پایه رعایت حقوق دیگران بنا شده است؛ بنابراین صدمه نزدن به آزادیهای دیگران کفایت نمی کند؛ بلکه در مواردی رساندن نفع به دیگران نیز، آزادی را محدود می کند.

ج) محدوده آزادی در غرب براساس قوانین بشری؛ ولی در اسلام براساس قوانین الهی است.

د) آزادی در اندیشه غربی، مطلق است و کمال انسان را در آزادی مطلق می دانند؛ ولی اسلام آزادی مطلق را مانع رسیدن انسان به کمالات می داند و این نوع آزادی به هرج و مرج می انجامد.

۳. دیدگاه امام خمینی (ره) درباره مهم ترین مصادیق آزادی

در بررسی دیدگاهها و آرای حضرت امام (ره) به برخی مصادیق آزادی که خود نوعی از اصول و قواعد حقوق بشر هستند، برخورد می کنیم که مهم ترین آنها عبارتند از:

۳-۱. آزادی فکر و اندیشه

اولین و مهم ترین نوع آزادی از دیدگاه حضرت امام (ره)، آزادی فکر و اندیشه است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به آن توجه شده است. از آنجایی که تفکر و تعقل، در اندیشه های اسلامی بسیار مورد توجه و سفارش واقع شده؛ امام این نوع آزادی را برتر از سایر آزادیهای دیگر می دانند. حضرت امام یکی از ویژگیهای انسان کامل را تکیه بر برهان

و استدلال و اجتناب از تحمیل عقائد می‌دانند و اصولاً معتقدند که تحمیل عقائد امری غیرممکن است. ایشان در همین جهت و در بحث مطبوعات و رسانه‌های گروهی که در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر هم به آن پرداخته شده، بر لزوم آزادی مطبوعات و رسانه‌های گروهی تأکید نمودند (رنجبر، ۱۳۸۲: ص ۱۵۸).

۳-۲. آزادی احزاب

هرچند دیدگاه‌های متعددی درباره آزادی احزاب، در جامعه سیاسی ایران وجود دارد و برخی آزادی بی‌قید و بند برای احزاب را باور داشته و به دنبال شکل‌گیری آن هستند، برخی دیگر با انکار اصل حزب در جامعه اسلامی، به مخالفت با شکل‌گیری احزاب پرداخته‌اند. از نظر امام خمینی (ره) اصل آزادی گروه بندی سیاسی- اجتماعی و احزاب در چارچوب قانون رسمیت داشته و تا زمانی که به اقداماتی از قبیل توطئه و یا جاسوسی دست نزنند، می‌توانند به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی بپردازند.

حضرت امام خمینی (ره) به جهت اینکه به دموکراسی از نوع اسلامی آن بسیار اهمیت می‌دادند و از آنجا که یکی از اصول اولیه حکومت‌های دموکراتیک را، وجود احزاب و گروه‌های مختلف با دیدگاه‌های گوناگون می‌دانستند، پس این نوع از آزادی را برای جامعه بسیار ضروری می‌پنداشتند. از دید ایشان دموکراسی بدون وجود احزاب سیاسی معنایی نداشته و وجود یک حزب و آنهم اگر متعلق به جناح موافق باشد در واقع به معنای نبود آزادی و رواج اندیشه‌های دیکتاتوری در جوامع است. از این رو ایشان همواره تأکید می‌کردند که در چارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران تمامی احزاب می‌توانند آزادانه اظهار نظر کنند، (رنجبر، ۱۳۶۳: ص ۲۱۴)، و یا احزاب آزادند که با ما یا با هر چیزی مخالفت کنند، به شرط اینکه مضر به حال مملکت نباشد، (صحیفه امام، ۱۳۷۰: ج ۳، ۱۴۰). از تبیین دیدگاه امام (ره) در باره احزاب و تشکله‌ها سه نکته اساسی برداشت می‌شود:

الف) از نظر امام، آزادی تشکیل اجتماعات و مشارکت در صحنه‌های سیاسی اجتماعی، از اهداف اساسی انقلاب است.

ب) از نظر امام، جمهوری اسلامی، آزادی فعالیت سیاسی اجتماعی را به گروه‌ها و احزاب داده است. پس دادن اجازه فعالیت و مشارکت در امور به گروه‌ها و احزاب موجب شده که

انقلاب به تمام معنا آزادی بخش گردد.

ج) مانع اصلی آزادی برخی احزاب و گروهها و تشکلهای سیاسی از دیدگاه امام، اقدام به توطئه و طرحهای براندازی و انجام اقداماتی برخلاف مصالح مردم است. امام معتقد است که باید به احزاب و گروهها اجازه فعالیت داده شود، مشروط به اینکه به توطئه و انجام فعالیتهای مضر به مردم دست نزنند.

۳-۳. آزادی انتخابات

آزادی و رقابت در انتخابات، بهترین ابزاری است که مقامات دولتها را مجبور به پاسخگویی کرده و فرصت تصمیم‌گیری را برای انتخاب‌کنندگان تأمین می‌کند. انتخاب مرتب و دقیق مقامات دولتی در انتخاباتی آزاد و رقابت‌آمیز ابزار اولیه کنترل و نظارت مردم در سیستمهای دموکراتیک است و درعین حال برگزاری انتخابات نشانگر این است که قدرت سیاسی همواره از مردم نشأت می‌گیرد و برای آنها نیز حفظ می‌شود، (بیت‌هام، ۱۳۷۶، ۵۷ و ۵۸).

آزادی انتخابات که در بند ۳ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر هم به آن پرداخته شده است از دید حضرت امام (ره) امری است متعلق به مردم؛ زیرا یکی از معیارهای یک حکومت دموکراتیک بحث انتخابات است؛ البته در هر انتخاباتی باید اصولی مراعات گردد تا به معنای واقعی کلمه انتخابات جلوه‌گر شود. یکی از آن اصول بسیار مهم از نظر امام، بحث آزادی انتخابات است، به‌گونه‌ای که ایشان بر آزادی انتخابات و مشارکت فعالانه مردم در آن، اصرار زیادی دارند، (رنجبر، ۱۳۸۲: ۱۶۴).

در جایی دیگر بیان می‌دارند که: «اگر انتخابات به صورت فرمایشی برگزار گردد تنها نتیجه‌ای که در بر دارد سلب اعتماد مردم نسبت به حکومت است و حالت بی‌اعتمادی در قشر نخبگان جوامع ایجاد می‌گردد.» ایشان همچنین می‌فرمایند: «ما بنای بر این نداریم که یک تحمیلی به ملتمان بکنیم. اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هرطور رأی داد ما هم از آنها تبعیت می‌کنیم... اساس این است که، مسئله دست من و امثال من نیست و دست ملت است» (صحیفه امام، ۱۳۷۰: ج ۱۱، ص ۳۴-۳۵).

امام در بحث دیگری که به مفهوم دموکراسی اشاره کرده می‌فرماید: «دموکراسی این است که آراء اکثریت، و آن هم این‌طور اکثریت، معتبر است، اکثریت هرچه گفتند آرای

ایشان معتبر است (همان، ج ۹، ص ۳۰۴)؛ معنا ندارد که یک اقلیتی بخواهد تحمیل کند به یک اکثریتی، این خلاف دموکراسی است (همان، ج ۳۲۲، ۱۰). ایشان در مجموع در بحث انتخابات قائل هستند به اینکه شکل حکومت با مراجعه به آرای ملت تعیین خواهد گردید (همان، ج ۴، ۳۳۴).

به طور کلی براساس نظریات حضرت امام(ره)، می توان دیدگاه ایشان را درباره انتخابات و حق رای مردم با سه نکته اساسی تبیین نمود:

الف) همگانی بودن حق رای. از دیدگاه امام (ره)، حق رأی از آن همه مردم بوده و هیچ فرد، گروه و صنف خاصی بر دیگران ترجیح و برتری ندارد.

ب) برخورداری مردم از آزادی کامل در رای دادن و انتخاب کردن. از دیدگاه امام (ره)، هیچ گونه فشار و اجباری در رأی دادن و رأی گرفتن جایز نیست و باید آزادانه صورت گیرد. ج) ضرورت رأی دادن و انتخاب براساس بینش صحیح. هرچند که امام به آزادی کامل در رأی دادن باور دارد و ضرورت وجود آزادی مردم را در رأی دادن تاکید می کند؛ اما از سویی دیگر، معتقد است که رأی دادن به عنوان یک تکلیف و وظیفه باید براساس بینش صحیح و توأم با شناخت کامل صورت پذیرد.

۳-۴. آزادی اقلیتهای مذهبی

از نظر امام خمینی(ره)، اقلیتهای مذهبی در حکومت اسلامی، آزادی انجام فرایض مذهبی را دارند. اقلیتهای مذهبی می توانند به طور آزادانه به اعمال مذهبی خود بپردازند. ایشان درباره این موضوع می فرمایند: «تمام اقلیتهای مذهبی در حکومت اسلامی می توانند به کلیه فرایض مذهب خود آزادانه عمل نمایند.» (ج ۱، ۵۰). از نگاه امام خمینی(ره) اقلیتهای مذهبی می توانند اظهار عقیده کنند؛ اما نباید از این آزادی عقیده بهره برداری سوء نمایند. امام(ره) در پاسخ به سئوالی درباره آزادی عقیده برای اقلیتهای مذهبی می فرماید: «در حکومت اسلامی، همه افراد دارای آزادی در هر گونه عقیده هستند؛ ولیکن آزادی خرابکاری را ندارند.»

۳-۵. آزادی مطبوعات

امام خمینی(ره) برای مطبوعات و آزادی آنها نقش ویژه ای قائل شده اند و مطبوعات را

برای پویایی جامعه ضروری می‌دانند. از دید ایشان مطبوعات در نشر همه عقاید و واقعیات آزادند و باید در خدمت کشور باشند، با این هدف که آرزوها و آمال ملت را منعکس و افراد جامعه را در جهت اهداف والاتر تربیت کنند. ایشان می‌فرمایند: «باید مطبوعات در خدمت کشور باشند، نه بر ضد انقلاب و کشور، مطبوعاتی که بر ضد انقلاب کشور هستند، اینها خائن هستند. مطبوعات باید منعکس‌کننده آمال و آرزوی ملت باشند.»

امام خمینی از نقش انتقاد توسط مطبوعات در اصلاح و سعادت جامعه غافل نبودند و در جایی می‌فرمایند: «انتقاد باید بشود. تا انتقاد نشود، یک جامعه اصلاح نمی‌شود. (همان، ۱۳۷۰: ج ۱۴، ۴۰۱).

۳-۶. آزادی حق تعیین سرنوشت

یکی از مهم‌ترین حقوق اساسی مردم در جامعه، آزادی آنان در حق تعیین سرنوشت خویش است. این حق، از جمله حقوقی است که قانون اساسی بسیاری از کشورها آن را برای مردم به رسمیت شناخته است و مردم براساس آن، می‌توانند در تصمیم‌گیری‌های کلان حکومتی دخالت کرده و در سرنوشت خود، تأثیرگذار باشند. از دیدگاه امام خمینی (ره)، حق تعیین سرنوشت از حقوق اساسی مردم است که به موجب آن، هرملتی باید سرنوشت خودش را خودش معین کند (همان، ۱۳۷۰: ج ۳، ۲۰۴).

۳-۷. آزادی زنان

حضرت امام در بحث آزادیها در مورد زنان، بیان می‌دارند که در حکومت اسلامی زنان از آزادی کامل برخوردار بوده و حقوق آنها مثل حقوق مردان است. امام خمینی در مورد نقش تربیتی زنان می‌فرمایند: «مربی انسانها زن است، سعادت و شقاوت کشور ما بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح خودش، کشور را آباد می‌کند. مبدأ همه سعادتها از دامن زن بلند می‌شود.» از دید حضرت امام خمینی (ره) اولاً: از نظر حقوق انسانی، تفاوتی بین زن و مرد نیست، چراکه هردو انسانند. از این‌رو زن همانند مرد از حق آزادی برخوردار است. ثانیاً: از آنجا که عنایت اسلام نسبت به زن بیشتر از مرد است، زنان حقوق گسترده‌ای دارند. حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن، حق انتخاب کردن و حق

انتخاب شدن از جمله حقوق مسلمی است که برای زنان ثابت است. ثالثاً: آزادی زن تنها در جایی محدود می‌گردد که زن به ملعبه مردان مبدل گردد و حرام و مفسده در جامعه گسترش یابد. ایشان بیان می‌دارند: «اسلام با آزادی زن نه تنها موافق است؛ بلکه خود پایه‌گذار آزادی در تمام ابعاد وجودی زن است. (همان، ج ۴، ۱۹۲). باید توجه داشت که اسلام به زن، به عنوان یک وسیله نمی‌نگرد؛ بلکه به عنوان عنصری گران‌بها آن را معرفی می‌کند که سبب آرامش به محیط خانواده و مردان می‌شوند. امام خمینی که اندیشه‌های ایشان برگرفته از مبانی دینی و اسلامی بود، براساس همین مبانی جایگاه بسیار بالایی را برای زنان قائل بودند به گونه‌ای که بعد از انقلاب بیان داشتند که: ما بسیاری از موفقیتها را مرهون خدمت‌های شما بانوان می‌دانیم. شما هستید که علاوه بر آن که خودتان فعالیت می‌کنید، فعالیت را در مردها مضاعف می‌کنید و شما بودید که در زمان طاغوت تحت رنج و شکنجه روحی واقع شدید و به حمدالله با قدرت خودتان و تعهد خودتان آن قدرت شیطانی را از صفحه روزگار بیرون کردید و نگذاشتید که آن خیالهایی که آنها در سر خودشان و در خاطر خودشان پخته بودند، آن خیالها به نتیجه برسد. و خدا می‌داند که اگر نبود این نهضت، و نبود کوشش ملت ایران از زن و مرد و جوان و پیر و بزرگ و کوچک، این ملت همه چیزش را از دست داده بود و می‌داد، و شما بحمد الله زحمت کشیدید، رنج بردید و در همه مراحل پایداری کردید و بانوان ایران در همه جا فعالیت کردند، چه فعالیت‌های فرهنگی و چه فعالیت‌های اقتصادی، که قشر کثیری از آنها در کشاورزی دخالت دارند، و قشر کثیری از آنها در صنعت و فرهنگ و ادب و علم و هنر» (همان، ج ۱۹، ۱۸۵).

۳-۸. آزادی فردی یا حریم خصوصی

شاید محوری‌ترین و جامع‌ترین دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) در مورد حریم خصوصی و آزادیهای شخصی افراد که مرتبط با حیثیت و شئون انسانی است، بتوان در فرمان هشت ماده‌ای ایشان به دولت‌مردان سیاسی و قضائی وقت جستجو کرد. این فرمان که در مورخه (۶۱/۹/۲۴) خطاب به قوه قضائیه و تمام ارگانهای اجرایی در مورد اسلامی شدن قوانین و عملکردها، صادر شد، در واقع منشور آزادیهای انسان در حریم شخصی است. ایشان در این فرمان با تأکید بر اینکه (حال فعلی اشخاص با غمض عین از بعضی

لغزشهایی که در رژیم سابق داشته‌اند) فرمودند: «هیچ‌کس حق ندارد فردی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باید باشد توقیف کند یا احضار نماید. هر چند مدت توقیف کم باشد. توقیف یا احضار به عنف جرم است و موجب تعزیر شرعی است. هیچ‌کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیرمنقول و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید مگر به حکم حاکم شرع، آن هم پس از بررسی دقیق ثبوت حکم از نظر شرعی. هیچ‌کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیرانسانی اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هرچند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر فاش کند، تمام اینها جرم و گناه است.»

البته ایشان در ادامه به محدوده این آزادیهای مربوط به حریم شخصی اشاره کرده و می‌فرمایند: «آنچه ذکر شد و ممنوع اعلام شد در غیر مواردی است که در رابطه با توطئه‌ها و گروهکهای مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی است که در خانه‌های امن و تیمی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی و ترور شخصیت‌های مجاهد و مردم بی‌گناه کوچک و بزرگ و برای نقشه‌های خراب‌کاری و افساد فی‌الارض اجتماع می‌کنند و محارب خدا و رسول می‌باشند.» (فراتی، ۱۳۷۸: ۱۳۵).

نتیجه‌گیری

شاید بتوان گفت بدیع‌ترین نظریه حضرت امام (ره) که قبل از ایشان به این صراحت و روشنی مطرح نشده بود با اینکه در متن اسلام بوده، نظریه آزادی اسلام‌گونه یا همان آزادی در پرتو اسلام است. این دیدگاه به صراحت سایر نظریات این حوزه را که عموماً اصالت را به آزادی و اختیار بی‌حد و مرز انسانی می‌دهند باطل و رد می‌کند و به این ترتیب از انواع حکومت‌های استبدادی سنتی و نوین فاصله می‌گیرد. آزادی از نظر امام خمینی (ره) یک امانت الهی است که باید حدود آن رعایت شده و به عنوان یک ارزش انسان و الهی مورد احترام

واقع شود.

حضرت امام بنا بر اقتضائات زمان و مکان در سالهای مختلف به بهانه‌های گوناگون به تبیین حدود آزادی از منظر اسلام پرداختند که از این تکرار زیاد این امر استنباط می‌شود که یکی از مسائل مهم در عرصه روشنگری و تبلیغ اسلام و انقلاب اسلامی، تبیین مسئله آزادی و حدود و ثغور آن است. از دید حضرت امام آزادی، دموکراسی و حمایت از اقلیتهای مذهبی و دیگر مسائل حقوق بشری از جایگاه بسیار بالایی برخوردار است.

براساس دیدگاه حضرت امام(ره) دولت اسلامی موظف است از آزادیهای مشروع مردم پاسداری کند؛ ولی تنها آزادیهایی که در حدود و چارچوب قانون و اسلام قرار گیرند. امام با تأکید بر اصل محوریت حکومت قانون الهی تصمیمات لحظه‌ای و برخاسته از تمایلات شخصی حکمرانان را نامشروع توصیف کرده و آزادی برخاسته از تفکرات غرب را غیر قابل پذیرش می‌داند و به همین جهت در اندیشه سیاسی امام استبداد و دیکتاتوری محکوم می‌شود و در نهایت خود مردمند که باید با استبداد مبارزه کرده و حقوق خود را مطالبه کنند.

در بررسی بیانات و تفکرات امام(ره) که برگرفته از مبانی اسلام است می‌توان به این نتیجه رسید که در اندیشه سیاسی ایشان بر کرامت ذاتی انسان و لوازم آن تأکید شده است. لوازمی همچون حق تأمین امنیت و آزادیها مشروع، آزادیهای سیاسی و مدنی، آزادی فکر و اندیشه، آزادی احزاب، آزادی انتخابات و حق رأی و آزادی حریم شخصی و ...

به عقیده امام خمینی آزادی حق اولیه بشر است که در همان آغاز خلقت به او اعطا شده است. آزادی که همواره امام از آن به نعمت بزرگ الهی، هدیه آسمانی و امانت الهی یاد می‌کند امتیاز به حساب نمی‌آید تا دولتی آن را اعطا و یا احیاناً پس بگیرد. آزادی حقی است همانند حق حیات که آدمی قبل از تشکیل جامعه و دولت از آن برخوردار است و دولت نیز موظف به پاسداری از حریم آن است. از نظر امام، آزادی از اهداف اساسی انقلاب است، لکن مهم‌ترین مانع فعالیت در این راستا نیز، مشارکت در طرح براندازی و توطئه علیه نظام می‌باشد.

منابع

- مرکز تحقیقات اسلامی سپاه (۱۳۷۸)، *آزادی از دیدگاه امام خمینی*، چاپ دوم، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.
- بیتهام، دیوید و کویل بویل (۱۳۷۶)، *دموکراسی چیست؟ ترجمه بهرام نقش تبریزی*، چاپ دوم، تهران: نشر ققنوس.
- مؤسسه حفظ نشر آثار امام خمینی (ره)، (۱۳۶۳) *آزادی و اقلیت‌های مذهبی*، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۴)، *ترمینولوژی حقوق*، چاپ نهم تهران: انتشارات گنج دانش.
- حیدری، حمید (۱۳۷۸)، *آزادی در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی (ره)*، فصلنامه پژوهشی متین، شماره ۲.
- رحیمی، مصطفی (۱۳۵۷)، *قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی*، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- رنجبر، مقصود (۱۳۸۲)، *حقوق و آزادی‌های فردی از دیدگاه امام خمینی (ره)*، چاپ دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شریعتمدار جزائری، نورالدین (۱۳۸۰)، *آزادی و عدالت در اندیشه امام خمینی*، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۵.

- صحیفه امام (۱۳۷۰)، تهیه و تنظیم از مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، دوره کامل، چاپ هفتم تهران: شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی.
- گرچی، علی‌اکبر، (۱۳۸۳) «مبنا و مفهوم حقوق بنیادین» نشریه حقوق اساسی، سال دوم شماره دوم، تابستان
- فراستی، عبد الوهاب (۱۳۷۸)، *آزادی در اندیشه امام خمینی (ره)*، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۱۲.
- قاضی زاده، کاظم، (۱۳۸۵)، *مردم‌سالاری دینی*، چاپ دوم، جلد ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- کوهن کارل، (۱۳۷۳)؛ *دموکراسی*، ترجمه فریبرز مجیدی، چاپ اول، تهران: انتشارات خوارزمی.
- مخبر، عباس (۱۳۶۷)، *ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب*، چاپ دوم تهران: نشر مرکز.
- منتظر قائم، مهدی (۱۳۷۵)، *آزادی سیاسی*، فصلنامه حکومت اسلامی، سال دوم، شماره اول.
- طباطبائی مؤتمنی، منوچهر، (۱۳۷۰)، *آزادیهای عمومی و حقوق بشر*، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- موحد، محمدعلی (۱۳۸۱) *در هوای حق و عدالت: از حقوق طبیعی تا حقوق بشر*، تهران، نشر کارنامه.
- موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۸۵)، *رسائل*، قم: انتشارات مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ، (۱۳۹۷ه.ق)، *کتاب البیع*، النجف الاشرف، مطبعة الاداب.
- ، (۱۳۶۲)، *طلب و اراده*، ترجمه احمد فهری چاپ اول، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۷۴)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ ششم تهران: دانشگاه شهید بهشتی.